

معرفی کاشی لاجوردی با نقش عقاب دره سنج

در موزه ایران باستان

نوشته غلامرضا معصومی موزه دار مسئول موزه ایران باستان

میدانیم که در روزگار هخامنشیان برخی از حیوانات و پرندگان مقدس را نیز از مقدس شمرده میشد هنرمندان نقش آنها را سمبل قرار داده و روی دیواره کاخها و معابد بصورت نقش برجسته عرضه میکردند. علاوه بر نقش برجسته این حیوانات و پرندگان مقدس را نیز از سنگ - نقره - طلا و مفرغ میساختند و یا نقش برجسته آنها را روی آثار هنری



خود ایجاد میکردند .

این حیوانات عبارت بودند از شیر، گاو، اسب، بز و عقاب یا شاهین که غالباً تك تك و زمانی با هم در يك اثر هنری جلوه گری میکنند . این حیوانات بیشتر متناسب با هیكل طبیعی و در نقش واقعی خود ظاهر شده و گاهی نیز تلفیقاً با هم ترکیب شده و سربکی را با بدن دیگری پیوند زده و ارائه داده اند و موجودی عجیب الخلقه افسانه ای بوجود آورده اند .

گاو را به سبب مفید بودنش ، اسب را بخاطر نجابت ذاتی و سوده مند بودنش ، شیر را بسبب نیرومندی و حاکم جنگل بودنش و شاهین را بخاطر بلند پروازها و چابکی و تیزهوشی و تیزچنگ بودنش دوست میداشتند و هنرمندان بهمین مناسبت از این موجودات الهام میگرفتند ، الهامی آسمانی و خداپسندانه ، الهامی که رضایت خاطر آنها را نیز فراهم میکرد ، الهامی که هدفشان را نیز روشن میساخت . شاهین الهام بخش اوج و ترقی آنها بود . آنها میخواستند همیشه در آسمانها سیر کنند و بالی شاهین وار دراز و قوی داشته باشند که شکست ناپذیر است و اقوام دیگر از داشتن آن محروم هستند . هخامنشیان شاهین را نشانه اقتدار و توانائی و مظهر جلال و عظمت میدانستند . پرستش این پرنده بزرگ و قوی را بفال نیک میگرفتند تا آنجا که مورخ یونانی معتقد است که خاندان هخامنشی را عقاب پرورش داده است . (آلیان Aelian این عقیده را دارد .)

سخن در اینجا معرفی يك قطعه کاشی مربع شکل لاجوردی از دوران پرشکوه هخامنشی است که در سال ۱۳۲۷ شمسی از کاخ آپادانای تخت جمشید پیدا شده است . این قطعه کاشی لاجوردی که بشماره ۲۴۳۶ در سال ۱۳۳۸ در دفتر بخش تاریخی موزه ایران باستان ثبت شده است دارای نقش شاهین است . اندازه

آن ۱۲/۵ × ۱۲/۵ سانتیمتر است و دور تا دور آن را با مثلث های کوچک فرو رفته زینت داده اند . در هر طرف از اضلاع این کاشی ۱۳ مثلث کوچک فرورفته قرار دارد و ۶ مثلث کوچک نیز در چهار گوشه آن موجود است . داخل مثلث ها برنگهای سبز و سفید و سرخ آرایش شده است .

نقش شاهین که در وسط کاشی بین مثلث های تزئینی قرار گرفته است بسیار زیبا است . هنرمندی که این نقش را آفریده بال و پر شاهین را با خطوط متنوع زینت داده است . در دوسوی بالا و پائین این کاشی دوسوراخ جهت میخ کردن آن به چوب وجود دارد .

در تعریف این نقش در حقیقت میتوانیم شاهین را معرفی کنیم . این مرغ بلند پرواز که مدتهاست نظر انسان را بخود جلب کرده چگونه پرنده ای است ؟

از شاهین هر چه گوئیم کم گفتدیم . همیشه قدر میدانیم که عقاب یا شاهین پرنده ای است بزرگ و تیز چنگ و باهوش و سبکس و تند نگاه . در فرهنگ های لغت این پرنده را چنین توصیف نموده اند : این پرنده شکارچی در شکارش حتی از جانواران بزرگتر از خود هم روی نگردانده و زمانی هم از ربودن بچه های انسان با کسی ندارد ، یکمیدسال زیست میکند و در توانائی و شکوه سرآمد پرنده گان و شاه مرغان است . هوشیار و چالاک و سهمگین و سترنوگ و بلند آشیان و بیرحم است^۱ .

در این نقش عقاب در چنگالش دو گوی را گرفته است و گوی دیگر هم بر بالای سر دارد . بدرستی بر ما روشن نیست هدف هنرمند از نقش عقاب و سه گوی مثلث های فرورفته چه بوده است ؟ شاید تنها بخاطر زیبایی و بهتر جلوه دادن آن ، و یا هدفی جز رضای خاطر خویش نداشته است . شاید این نقوش

جنبه مذهبی داشته باشد یا هدف عالینتری را بیان کند . مثلاً دو گوی که در چنگال شاهین اسیر شده ممکن است دو دنیای مادی و معنوی (دنیا و آخرت) باشند و یا دو سیاره شبیه زمین و گوی سوم که بر سر دارد و اشاره ای به نشانه قدرت آسمانی عقاب باشد .

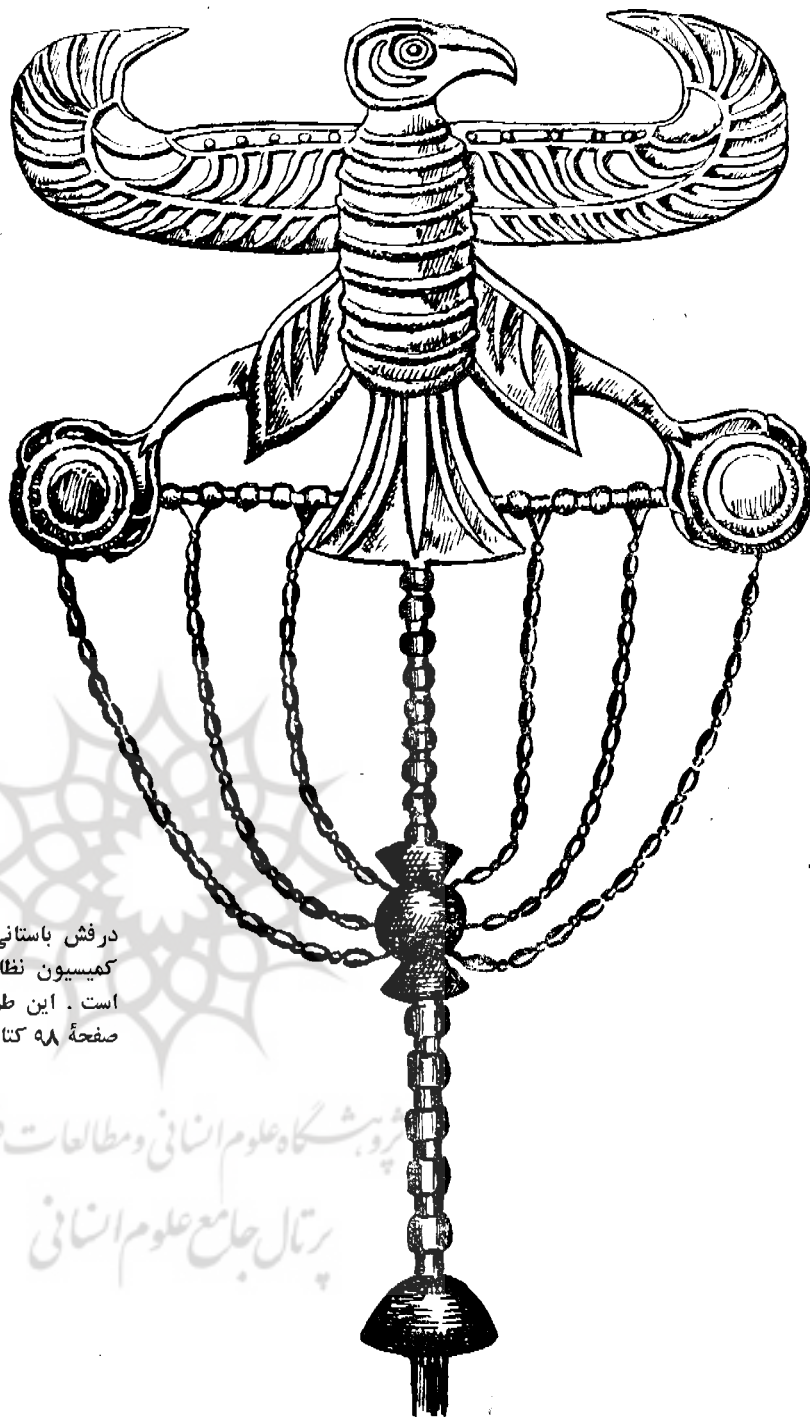
ظاهراً این شاهین شهر گشاده مظهري از اهورامزدا است یا نمایشگر فرشته ای از میان فرشتگان مقرب آسمانی است . بالهای مظهري از بال فرشتگان و دمش نیز همانند آن .

دو سوراخ بالا و پائین این کاشی لاجوردی وجود پرچم بودن این کاشی را ثابت میکند . زیرا درباره درفش زرین دوران هخامنشی زیاد خوانده و شنیده ایم که نقشی از عقاب داشته است و ممکن است که این کاشی لاجوردی نیز پرچم پیروزی و افتخار بوده و از این رو حمل آن را در پیشاپیش لشکر به فال نیک میگرفته اند .

ابوریحان بیرونی در کتاب التفهيم و حکيم مومن تنکابنی در کتاب تحف المومنین یاد آور شده اند که «عقاب زرین علم (پرچم) ایران بود و سر لشکریان در روزگار هخامنشیان شاهین شهر گشوده در سرنیزه بلندی برافراشته بهم نمودار بود .»

گرنفون (مورخ یونانی که در سال ۳۵۴ - ۴۳۰ پیش از میلاد میزیسته است) در کوروشنامه در لشگرکشی کوروش به بابل چنین آورده است : «درفش پادشاهی ایران شاهینی بود از زر ساخته شده که بر نیزه برافراشته بودند» و در جای دیگر درباره جنگ کوروش کوچک بر ضد برادرش اردشیر دوم هخامنشی که خود گرنفون هم جزو سپاهیان مزدور

۱ - در توصیف بی رحم بودن شاهین فردوسی گفته است :
کنون خوردنت زخم روئین بود
تنت را کنن چنگ شاهین بود



درفش باستانی شاهنشاهی ایران با مجسمه شاهین شهرگشاده که در کمیسیون نظام جشن شاهنشاهی ایران طراحی شده و بتصویب رسیده است. این طرح توسط سرکار خانم لیلی تقی پور از روی طرح اصلی صفحه ۹۸ کتاب «فروهر یا شاهین» نوشته سرکار سرگرد مراد اورنگ برداشته شده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بخش یکم مینویسد: «درفش کوروش شاهینی بود زرین با بالهای گشاده که بر نیزه بلندی برافراشته بودند. درفش پادشاهان ایران هنوز هم بدینگونه است.» هرودت (مورخ یونانی که بین سالهای ۴۳۰ - ۴۸۴ پیش از میلاد

پدرش تا برمز فارس او را بدرقه کرد، در آنجا عقابی دید که در پیشاپیش آنان در پرواز بود و پدر کوروش آن را بفال نیک گرفته و یقین کرد که پسرش از این پیکار پیروز خواهد برگشت.»
گرنفون در کوروشنامه کتاب ۷

یونانی کوروش بود مینویسد: «درفش پادشاهی شاهین شهر گشوده بود از زر ساخته شده بود و بروی نیزه‌ای برافراشته بود» گرنفون در همین کتاب بخش دوم فقره یکم مینویسد: «هنگامیکه کوروش از فارس لشکر آراسته بجنک آشور میرفت،

میزبسته است) در تاریخ خود فصل ۳ فقره ۶۷ مینویسد :

«پیش از اینکه داریوش و شش تن همراهنش به گئوماتا (اسمردیس غاصب) حمله برند برخی از آنها دودل بودند و خواستند پیکار را به تأخیر اندازند و با هم در گفتگو بودند که ناگاه دیدند هفت جفت عقاب دو جفت کرکس را دنبال کردند ، این پیش آمد را بفال نیک گرفتند و نشان رستگاری دانستند آنگاه مصمم شدند و به شکست دادن آنان تمام شد .»

کورنیوس روفوس^۲ مورخ یونانی در اسکندرنامه خود هنگام گفتگو درباره جنگ داریوش سوم و اسکندر می نویسد: «نخست در پیشاپیش سپاه ایران آتشدان نمودار شد و از پس آن مغان سرودگویان وارد شدند . پشت سر آنان ۳۶۵ جوان با جامه ارغوانی با تندیسهای ایزدان که از زر ساخته بودند آراسته بود و یوغ به گورها زینت شده بود . همچنین تندیس دیگر که نماینده نیاکان بود در آن میدرخشید و در میان آنها شاهینی شهپر گشوده زرین برافراشته بودند .»

کنت کورث^۳ تاریخ نویس رومی ضمن حرکت سپاه ایران از سوی بابل بفرات از عقاب زرینی که بالای گردونه داریوش سوم بوده سخن میگوید و اشاره میکند «عادتی است نزد پارسیها که پیش از طلوع آفتاب از جائی حرکت نمیکنند بنا بر این پس از اینکه روشنائی روز همه جا را فرا گرفت شیپورچیان شیپور حرکت را از بارگاه شاه میزنند . بالای این بارگاه صورت آفتاب را در قاب بلورین بقدری بلند نصب کرده بودند که همه میتوانستند آنرا مشاهده کنند . ترتیب حرکت چنین بود ، پیشاپیش قشون در آتشدانها آتش همی بردند که این مردمان آنرا جاویدان و مقدس میدانند مغها در اطراف آتش سرودهای ملی میخواندند پشت سر مغها ۳۶۵ نفر جوان در لباس های سفید حرکت میکردند و از پس عرابه

اسبی زیبا و قوی هیکل حرکت میکرد که آنرا اسب آفتاب مینامیدند ترکه های زرین و لباس سفید جلودارهای این اسب آنها را از سایر جلودارها ممتاز میساخت ... سپس سپاهیان می آمدند ... سپاهیان مزبور پیشاپیش گردونه شاهی حرکت کرده لباس شاه را میبردند و بعد گردونه شاهی می آمد این گردونه از طرفین بصورت های خدایان که از زر و سیم ساخته بودند مزین بود و شاه درون عرابه بلند و شاهانه نشسته بود قید اسبها به سنگهای قیمتی مرصع بود و منتهی میشد بدو هیکل زرین که قد آنان بیک ارش میرسید یکی از هیکلها مجسمه نینوس و دیگری مجسمه هلوس در وسط آن دو هیکل مجسمه عقابی بود ، با بالهای گسترده باز که از زر ساخته بودند (این قسمت از تاریخ ایران باستان تألیف مشیرالدوله پیرنیا نقل شد) .

اوریبوس به نقل از فیلوس بیلیوس از زبان زرتشت میگوید :

«خداوند را سری است مانند سر شاهین ، اوست نخستین و فناپذیر و جاودانی» .
ممکن است تشبیه سر خدا به عقاب بخاطر هوش و نیرومندی عقاب بوده باشد .

از مورخین یونان که بگذریم فردوسی و سعدی نیز در این باره اشعاری دارند که نشان میدهد پرچم پیروزی باستانی ایران از يك مجسمه ای با نقش پرنده بزرگی تشکیل شده بود و آنها نام این پرنده را گاهی عقاب و زمانی های یاد کرده اند و در حقیقت چون های مرغ سعادت معروف شده است میتوان چنین پنداشت که همان شاهین قوی و پیروز است که پرنده مقدس و علم کشور باستانی ایران دوره هخامنشی بوده است . در هنر و ادبیات فارسی های را پرنده خجسته و فرخنده و پیروز یاد میکند و سعدی در اینباره گفته است :

کس نیاید به زیر سایه بوم
گرهای از جهان شود معدوم
و فردوسی نیز یاد آور شده است :

هر آنکس که از شهر بغداد بود
ابا نیزه و تیغ و پولاد بود
همه برگزشتند زیر های
سپهد همی داشت برپیل جای
یکی سینه شیر باشدش جای
یکی کرکس و دیگری را های

*

میان دو کوهست پرهول جای
نبرد بر آن آسمانش های

*

بیوشید رخشنده رومی قبابی
بتاج اندر آویخت پسر های

*

درفشی همی بود و پیکر گراز
سپاهش کمند افکن و رزم ساز
سواران جنگی و مردان دشت
بسی آفرین کرد و پس در گذشت
دمان از پس پشت پیکرهای
همی رفت چون کوه رفته ز جای

*

نهاده زهرچیز گنجی بجای
فکنده برو سایه پسر های
درباره درفش کاویان و درفش کیان
واختر کیان و بطور کلی درفش فردوسی
طوسی یاد آور شده است :

۲ - Kurtius Rufus در نخستین سده میلادی میزیسته است .
۳ - کنت کورث مورخ رومی که در قرن اول میلادی میزیسته است .

درفشی عقابست با تیزچنگ
که زوبین کشد درقفا روزچنگ

*

بشد طوس با کاویانی درفش
بیای اندرون کرده زرینه کفش

*

چو افراسیاب آن درفش بنفش
نگه کرد با کاویانی درفش

*

سپهدار طوس آن کیانی درفش
اباکوس و پیلان وزرینه کفش

*

سپهدار و سالار زرینه کفش
تو باشی بر کاویانی درفش

*

وگر تو نیائی بمن ده درفش
سواران واین تیغ‌های بنفش

*

مرا شاه داد این درفش و سپاه
همان پهلوانی و تخت و کلاه
درفش از در بیژن گیو نیست

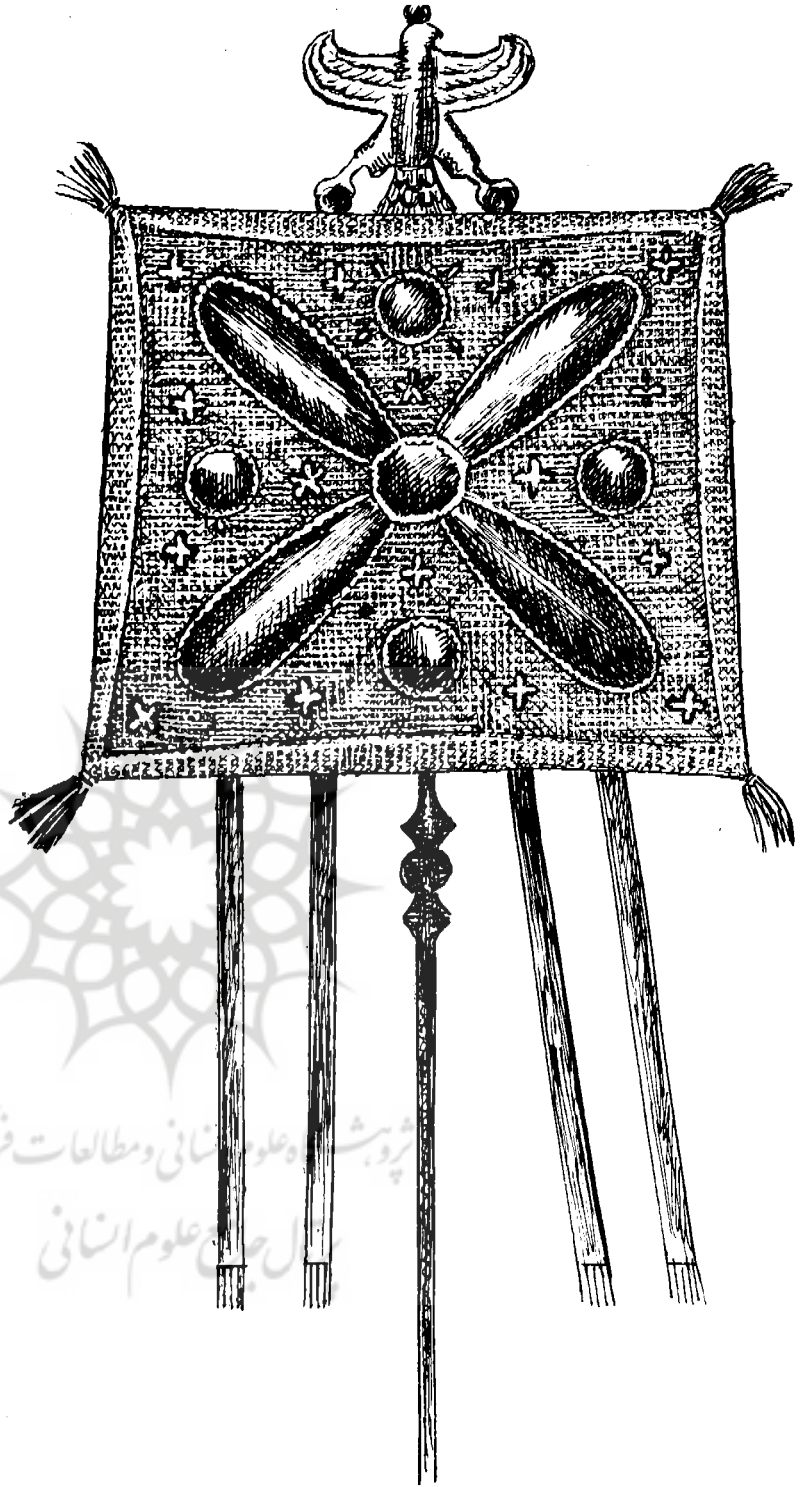
نه اندر جهان سربر نیو نیست
یکی تیغ بگرفت بیژن بنفش

بزد ناگهان بر میان درفش
بدو نیمه کسرد اختر کاویان

یکی نیمه بگرفت و رفت از میان
بیامد که آرد بزد سپاه

چو ترکان بدیدند اختر براه
یکی شیردل لشکر جنگجوی

همه سوی بیژن نهادند روی



درفش کهنسال کاویانی با نگاره شاهین که در کمیسیون نظام جشن شاهنشاهی ایران طراحی شده و پس از بررسی به تصویب رسیده است. این طرح توسط سرکار خانم لیلی تقی‌پور از روی طرح اصلی از صفحه ۹۹ کتاب «فروهر یا شاهین» نوشته سرکار سرگرد مراد اورنگ برداشته شده است.



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

چون عکس سیاه و سفید این درفتن منقوش قلزی د را اختیار نبود
 این طرح از روی عکس رنگی آن برداشته شد .

کشیدند کوپال و تیغ بنفش
به بیکار آن کاویانی درفش
چنین گفت هومان که «آن اختراست
که نیروی ایران بدواند راست
درفش بنفش اربچنگ آوریم
جهان بردل شاه تنگ آوریم»
همی رفت بیژن چو شیر زیان
بدست اندرون اختر کاویان

*

یکی تخت پرمایه اندرمیان زده پیش او اختر کاویان

شواهد زیادی دربارهٔ اختر کاویان -
درفش کاویان - درفش بنفش و نیز
شاهین و همای و عقاب در شاهنامه وجود
دارد که در این گفتار مختصر نمیتوان
همه را نقل کرد .

یونانیان نیز این پرندۀ را مقدس
می دانستند و تا آنجا که خدای بزرگ
یونان ژوپیتر (زئوس) گاهی خود را به
شکل عقاب در می آورد و پس از انجام
هدفش دوباره بصورت اصلی خود
در می آمد .

در استان دلاوری ها و عشق بازیهای
ژوپیتر به این نکته بر میخوریم که این
خدا بصورت مختلفی از برخی حیوانات
و پرندگان در آمده است . ژوپیتر زمانی
که عاشق «اگسین» دختر رودخانه
«ازوپوس» بود خود را بصورت عقاب
در آورد و با پنجهٔ خود او را گرفت و به
جزیرهٔ اوینوپیا برد و با او در آمیخت
و صاحب فرزندی بنام «اتاگوئه» شد .
در جای دیگر هم عقاب را درندهٔ جگر
حامی انسان دانسته اند ، همانطوریکه
در استان یا افسانهٔ پرومته میخوانیم در آن
قسمت که پرومته (خدای آتش) از بشر
حمایت میکند و مایل نیست که بامر
ژوپیتر رنجها به انسان مستولی شوند ،
ژوپیتر خشمناک میشود و دستور میدهد
تا پرومته را بر فراز صخره های کوههای

ققاز در زنجیرهای گران و اسرار آمیز
به بندند و عقابی جگر این خدای حامی
بشر را بدرد ولی عاقبت بوسیلهٔ هر کول
بندها از دست و پای پرومته برداشته
میشود و سعادت و خوشی به همه جا
حکمرانی میکند و انسان دیگر رنج
نمیکند . در یونان نیز نقوش زیادی از
عقاب هست که جای سخن گفتن در اینجا
نمیباشد .

در مصر نیز نقش عقاب از زمان
قدیم رایج بوده است و هروس یکی از
خدایان که پسر ایزس (خدائیکه هر روز
در گاو آپیس حلول میکرد) بود بشکل
انسانی ظاهر میشد که سر عقاب داشت .
در هندوستان نیز اگنی و ایندرا
دوتا از خدایان برهمنان گاهی بشکل
عقاب ظاهر میشدند .

در فینیقیه هم این پرندۀ ارزش زیادی
داشت بطوریکه «بعل» یکی از خدایان
بزرگ فینیقیه گاهی بشکل عقاب
در می آید . از این دوره مجسمه های زیاد
و نقوش برجسته و نقوش فراوانی از شاهین
بر جای مانده است که همگی حاکی از
پرچم بودن و مقدس بودن و پیروزی بودن
این پرندۀ بلند پرواز است .

در حفاریهای سال ۱۳۵۰ خبیص
(شهاد) که به ریاست آقای مهندس علی
حاکمی انجام گرفت هیئت کاوش موفق
بکشف یک درفش فلزی از هزارهٔ سوم
پیش از میلاد گردید . عکس رنگی این
درفش در کتابی با نام «راهنمای نمایشگاه
دشت لوت ، خبیص (شهاد)» که
بمناسبت جشن فرهنگ و هنر در اولین
مجمع سالانه کاوشهای باستان شناسی در
ایران منتشر شده دیده میشود و آقای
مهندس حاکمی راجع به این درفش چنین
توضیح داده است :

«شیئی ارزنده دیگری که در کاوش
سال ۱۳۵۰ بدست آمد ، درفش فلزی
منحصر بفردیست که از یک صفحه مربع
فلزی به ابعاد ۲۳×۲۳ سانتیمتر و میله ای
بطول ۱۹/۱ متر تشکیل میگردد بالای

پایه یا میله درفش به مجسمه عقاب بال
گسترده ای در حال فرود ختم میشود .
روی درفش مزبور مجلسی نموده
شده که الهه ای را نشسته بر روی صندلی
نشان میدهد در مقابل الهه مزبور تصویر
سه زن باندازه های مختلف نشسته بر زمین
و در پشت الهه شکل زن ایستاده ای نقش
شده است . در سمت راست صفحه در زیر
نقوش سه زن باغ مستطیلی شکل شطرنجی
جلب نظر میکند که در آن دو درخت
خرما روئیده است . در سمت چپ صفحه
زیر پای زن ایستاده درخت خرما ی دیگری
خودنمائی میکند در زیر کلیه نقوش
بالا یک ردیف نقش حیوان شامل دوشیر
خواهیده و یک گاو با شاخهای بلند در حال
حرکت کننده کاری شده است . نقش
شیرها در طرفین گاو مقابل یکدیگر
قرار دارند قسمت بالا و پائین نقوش
صفحهٔ مربع با دو ردیف نقش پیچ درهم
که نشانه جریان آب است محدود میشود
در قسمت بالای صفحه در حد فاصل بین
الهه و زنان نشسته سمبل خورشید به صورت
نقش کلی چند پرکنده کاری شده است
این صفحه با قاب فلزی نسبتاً ضخیمی
محصور شده که بوسیله دوقلاب متحرك
به میله وصل میگردد . بطور کلی
مجلس مزبور افسانه مذهبی الهه ای را
نشان میدهد که عده ای برای طلب نیاز
به او توسل میجویند مناظر باغ و درخت
خرما و جوی آب و تصاویر گاو و شیر
نشانه ای از آئین و عقاید مذهبی آن
زمانست که جایگاه معنوی الهه و طرز
دستگیری او را مجسم میسازد .

۴ - کتاب افسانه خدایان شجاع الدین

شفا صفحه ۲۶

۵ - جایگاه این خدا بر فراز کوههای
فینیقیه بوده است وال (EL) آفریدگار
جهان اجازه داده بود که معبدی برای بعل
ساخته شود . پدر بعل داگون (رب النوع گندم)
و همسرش آشرات بود .

این درفش با احتمال قوی متعلق به معبد الهه ایست که هنوز بنام آن آشنائی نداریم . معمولاً آنرا هنگام مراسم مذهبی بکار میبردند یا اینکه بعنوان هدیه به معبد خدای مزبور تقدیم می داشتند با وجودیکه نظرات فوق تا حدی امکان استفاده آنرا روشن میسازد ولی باز هم

به مطالعه بیشتری احتیاج دارد . اهمیت این درفش بیشتر از لحاظ قدمت ، شکل وساخت آنست ضمناً از لحاظ باستانشناسی شیئی منحصر بفردیست که اولین بار در یکی از مناطق قبل از تاریخی ایران کشف شده است .
طرح دو نمونه زنده دیگر از

درفش های معروف ایران باستان در اینجا ارائه داده میشود ، یکی از این طرح ها درفش کاویانی و دیگری درفش شاهنشاهی ایران را نشان میدهد . این طرح ها را قبلاً سرکار سرگرد مراد اورنگ در کتاب «فرور یا شاهین» چاپ کرده است که ما از آنها برداشته ایم .

